

زندگینامه‌ی سیاسی
مهندس مهدی بازرگان

سعید برزین



فهرست

۱	یادداشت ناشر
۳	سیاس‌گزاری
۴	پیش‌سخن (دکتر محمدعلی‌همایون کاتوزیان)
۷	مقدمه
۱۲	فصل اول: ریشه‌ها
۱۲	خانواده
۱۷	اوضاع اجتماعی
۱۹	فرانسه
۲۹	بازگشت و خدمت در دولت
۳۸	بازرگان و حکومت رضاشاه
۴۴	فصل دوم: اولین تجربه‌های سیاسی
۴۴	تحولات ۱۳۲۰ - ۳۲
۴۸	بازیگران و نهادهای سیاسی
۵۳	فعالیت اجتماعی و سیاسی
۶۲	فصل سوم: اخلاق اجتماعی اسلامی
۶۲	آغاز نویسندگی (۳۲ - ۱۳۲۰)
۶۸	اخلاق اجتماعی یا نقد اندیشه‌ی غیرمذهبی
۷۲	اندیشه‌ی کار یا نقد اندیشه‌ی سنتی
۷۷	میان‌روی یا نقد مارکسیسم
۸۴	وجدان حرفه‌ای مذهبی یا کار در اسلام
۹۱	استعمار

۲۰۱	تحولات سیاسی ۵۶-۱۳۴۲
۲۰۶	مبارزه‌ی ایدئولوژیکی
۲۱۴	فصل نهم: ساختمان ایدئولوژی اسلامی
۲۱۴	قانون طبیعی
۲۲۰	آزادی
۲۳۲	اطاعت و عصیان اجتماعی
۲۳۷	صلح و جنگ
۲۴۳	اقتصاد اسلامی
۲۵۷	فصل دهم: انقلاب و دولت موقت
۲۵۸	تحولات سیاسی ۵۷-۱۳۵۵
۲۶۵	انتصاب دولت موقت
۲۷۲	استراتژی لیبرال دولت موقت
۲۷۳	محدودسازی دولت
۲۷۸	اصلاح دولت
۲۸۱	دمکراسی و آزادی‌های سیاسی
۲۸۵	فصل یازدهم: شکست جریان لیبرال
۲۸۵	حمله‌ی انقلابی مردم
۲۹۰	حمله‌ی نیروهای مذهبی
۲۹۵	بازرگان و رهبر انقلاب
۲۹۹	حمله‌ی نیروهای چپ
۳۰۴	فصل دوازدهم: جمع‌بندی: حکومت قانون و دولت عوام
۳۰۴	سنت نوین اسلامی در ایران
۳۰۸	فعالیت‌های سیاسی بازرگان
۳۱۰	نهضت آزادی ایران
۳۱۳	زبان به مثابه ابزار سیاسی
۳۱۴	تکامل تفکر سیاسی
۳۱۷	زمینه‌ی کار
۳۱۹	دین

۹۹	فصل چهارم: مقاومت در برابر کودتا
۹۹	تحولات ۴۰-۱۳۳۲
۱۰۷	نهضت مقاومت ملی
۱۱۳	اندیشه‌ی ملی
۱۱۶	آزادی و حکومت مشروط به قانون
۱۱۹	رهبری نیرومند
۱۲۱	عدم تعهد در سیاست خارجی
۱۲۳	سازماندهی
۱۲۵	مذهب
۱۲۷	اختلاف داخلی
۱۳۰	فصل پنجم: قوانین تاریخی و اجتماعی
۱۳۰	اندیشه‌ی سیاسی
۱۳۲	سیر تکامل دین
۱۴۰	قانون طبیعی اجتماع
۱۴۸	فصل ششم: جذبه‌ی مذهبی میان مردم
۱۴۸	تحولات ۴۲-۱۳۴۰
۱۵۲	نهضت آزادی ایران
۱۵۴	هویت اجتماعی اسلامی
۱۶۶	حکومت دمکراتیک و مشروط به قانون
۱۷۲	مسائل تاکتیکی
۱۷۶	انقلاب سفید
۱۸۲	فصل هفتم: نفی استبداد
۱۸۲	در نفی استبداد
۱۸۶	۱- استبداد، بی‌ثباتی اجتماعی و عدم استمرار تاریخی
۱۹۰	۲- استبداد و فساد اخلاقی و نفی ایمان مذهبی
۱۹۶	۳- استبداد و عقب‌ماندگی اجتماعی و اقتصادی
۲۰۰	فصل هشتم: مبارزه‌ی ایدئولوژیکی

هشت زندگینامه‌ی سیاسی مهندس مهدی بازرگان

۳۲۱	روحانیون
۳۲۳	قانون طبیعی
۳۲۵	وجدان حرفه‌ای در اسلام
۳۲۶	آزادی انسان و دموکراسی
۳۳۰	هویت اجتماعی
۳۳۲	کمونیسم
۳۳۴	اخلاقیات
۳۳۷	اصلاح دولت
۳۴۱	فهرست آثار بازرگان
۳۵۱	فهرست اعلام

قلی تبریزی موسوم به «آقا تبریزی» (۱۳۳۳-۱۲۴۷) فرزند حاج کاظم در ۱۸ سالگی از آذربایجان به تهران آمده و بانو صدیقه، دختر حاج ملامصطفی تبریزی را به همسری گرفته بود. این زوج پنج پسر و چهار دختر به جهان آوردند که جملگی در فرهنگ فارسی تهران بزرگ شدند.^۲ آقاتبریزی مردی باهوش و زیرک بود. تاجری خود ساخته و ثروتمند که قبل از مهاجرت به تهران مکه رفته، حاجی بود. مدتی ریاست «هیئت تجارت» و «اطاق تجارت» تهران را به عهده داشت تا رضاشاه هر دو را برچید. میزان ثروتش را نمی‌دانیم اما رفت و آمدهایش نشان می‌دهد سری در سرها داشت. هم او بود که نام فامیل بازرگان را برگزید.

در دین، آقا تبریزی پایبند فرایض بود. درس مکتب داشت و قرآن می‌خواند. در مبارزه با «بی‌دینی و فحشا» پیشگام می‌شد و در خانه جلسه‌ی بحث میان علمای مذهبی و مخالفین می‌گذاشت. تا آنجا که ما می‌دانیم در دین تعصب کور به خرج نمی‌داد. نمونه آن که فرزندان را به زهر کتک مسلمان نکرد و مهدی را به فرنگ فرستاد. برپایی جلسات بحث و گفتگو اشاره‌ای است که برای تعقل و منطق قائل بود. برخلاف متعصبین مذهبی کتاب خارجی در خانه نگه می‌داشت و روزنامه‌خوان بود.^۳

آقا تبریزی در امور اجتماعی دست داشت. در سال قحطی [ایران در قرن گذشته چند بار گرفتار قحطی شد] همراه دیگر تجار بازار دارالاطعامی به راه انداخت. در دوران انقلاب در زمره‌ی مشروطه‌خواهان درآمد و یک بار نیز، از طرف آذربایجانی‌های پایتخت کاندید مجلس شورای ملی شد اما رأی کافی نیاورد. تماس‌های سیاسی اش خوب بود و

۲- در خانه‌ی آقای تبریزی به زبان ترکی آذری تکلم نمی‌شد چرا که مادر فارس بود و مهدی نیز هرگز تکلم آذری را نیاموخت. آنچه از فرهنگ آذربایجانی‌ها به جای ماند تعصب در صداقت‌پیشگی بود و پشتکار. در نوشته‌های بازرگان به ریشه‌های قومی خود اشاره‌ای نشده است.

۳- متعصبین می‌گفتند اگر کتاب فرنگی در خانه باشد تا هفت منزل فرشته‌ای نخواهد آمد.

فصل اول

ریشه‌ها

ریشه‌ی اندیشه‌ی اجتماعی مهدی بازرگان را باید در فضای خانوادگی مذهبی و بازاری، سرکلاس درس ابوالحسن خان فروغی، در انجمن کاتولیک پاریس، در لابلای روزنامه‌های جمهوری خواه فرانسه و سرانجام پشت میز شرکت مهندسی تهران جستجو کرد.^۱ دوران خانواده، دانشگاه و جوانی بازرگان، از ۱۳ تا ۳۳ سالگی همزمان است با دوران حکومت و سلطنت رضاشاه از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ شمسی. در این مرحله می‌توان شاهد رشد فکر مذهبی بازرگان بود که با تلقی علمی دبیرستانی درهم آمیخت، در فرانسه تجلی ملی و سیاسی پیدا کرد و در بازگشت به وطن عنصر تجدد را وجه غالب قرار داد. پس از سقوط رضاشاه، محتوا، آهنگ حرکت و گستردگی فکر اجتماعی و سیاسی بازرگان متحول شد. در فصل اول ریشه گرفتن اندیشه‌ی اجتماعی او را دنبال می‌کنیم.

خانواده

جنگ میان مشروطه‌خواهان و طرفداران استبداد قاجار آغاز شده بود که مهدی بازرگان در تهران چشم به جهان گشود (۱۲۸۶). پدرش حاج عباس

۱- تمام آنچه در این فصل آمده، مگر بخش‌هایی که مشخص می‌شود، به نقل از مصاحبه با بازرگان است در دی ماه ۱۳۶۸ خورشیدی در تهران و یا به نقل از کتاب بازرگان، مهدی، *مدافعات*، (انتشارات نهضت آزادی ایران - خارج از کشور - آمریکا، ۱۳۵۶).